

نامه سرگشاده به جنبش کمونیستی بین المللی

امروزه، جنبش کمونیستی بین المللی، به چالش های زیادی مواجه است، از قبیل ژرفا پذیری بحران عمومی سرمایه داری، گرایش بسوی جنگ امپریالیستی، و وحدت تقابل نیروهای امپریالیست { و سرانجام} تغییر اقلیم.

و از اثر تکامل ناموزون موجود در جنبش بین المللی کمونیستی، اختلافات زیادی موجود است که حقایق را چگونه دریابیم. در واقع امر، وحدت کافی موجود نیست، و مرادوات کافی میان جنبش بین المللی کمونیستی وجود ندارد.

بر مبنای باور ما، این شرایط باید تغییر پذیرد، و در حقیقت امر، همین حالا جهان آبستن تغییرات است. ضرورت مندی ها، در صحنه قامت برافراشته اند، توده های گیتی پاسخ می طلبند، آنها خواستار راه {حلی} اند که سر راهشان بدرخشد. آنها گرسنه راه حلی اند که منجر به شکستن زنجیر ها از { دست و پایشان} شود، و منجر به اعمار جامعه یی نوین گردد، جامعه یی که فارغ از استثمار، ستمگری و انحطاط باشد.

ما باید به این {همه} پاسخ ارائه کنیم: سطح مرادوات ایدئولوژیک، تئوریک و فرهنگی میان کمونیست ها باید گسترش و توسعه پذیرد. و این {امر} به مفهوم اعمار یک پلاتفورم بین المللی، یک پلاتفورم دموکراتیک برای کمونیست ها بوده که گامی در راستای وحدت ایدئولوژیک در آینده محسوب میشود.

به هر حال، چنین پلاتفرمی میتواند موجودیت پذیرد در صورتی که پاسخگوی مقتضیات توده ها باشد، و آن { مقتضیات} عبارت است از: انقلاب جهانی پرولتاریایی، به منظور ایجاد جمهوری سوسیالیستی جهانی، که ما را به کمونیسم میبرد.

این است دلیل آنکه، بر طبق باور ما، چرا نیازمندی برای آن وجود دارد که بدانیم که چی امری در حالت وقوع است، { و با این درک است که} حقیقت را دگر دیسی میبخشیم. بدین منظور، ما نیاز به ساینس، ماتریالیسم دیالکتیکی داریم که در دوران ما به معنای مارکسیسم-لنینیسم-مائونیسم میباشد و که بر هر حقیقت ملی انطباق پذیرد و این بدان سبب است که ملت، چهارچوبه ی دگر دیسی میباشد.

در دوره ی ما، مائونیسم، به هیئت مارکسیسم-لنینیسم-مائونیسم، سنتزی از ایدئولوژی طبقه کارگر، تنها به شکل **ایدئولوژی راهنما** در هر کشور میتواند وجود داشته باشد، پشاهنگ را مرتبط با تضاد های داخلی کشور، نضج بخشد، و جنگ خلق را برپای دارد. طی این روند، تمامی جنگ خلق ها، متحدانه و هم-وندانه، راه را برای انقلاب جهانی پرولتاریایی هموار میسازند.

از اثر انکشاف نامتوازن، **اندیشه ها** در برخی از کشور ها تکامل یافته اند از قبیل **گونزالو** در پیرو، **اکرم یاری** در افغانستان، **سراج سکدر** در بنگلادیش، **ابراهیم کاپیاکایا** در ترکیه.

این اندیشه ها باید مورد مطالعه قرار گیرند، با برخی دیگر از اندیشه های احتمالا ایجاد {کلی} یافته مقایسه شوند، مثلا با {اندیشه} چارو مزومدار و کائانی چاترجی در هند، اولرایک ماینهوف در آلمان، آلفرید کلاهر در آستریا. در هر کشور، کمونیست ها باید مطالعه کنند که آیا اندیشه {ی راهنما} بوجود آمده و یا تکامل پذیرفته است یا خیر.

ما میدانیم که هنوز سازمانهای مارکسیست-لنینیست-مائونیستی وجود دارند که مسئله اندیشه را نفهمیده اند ، و برخی از آنها حتی آنرا رد نموده اند. این مسئله از لحاظ تاریخی قابل فهم بود، و هنوز قابل فهم است، زیرا که ناشی از قانون انکشاف ناموزون میباشد.

ما از این موضوع کاملا آگاهیم، اما بر آن ایم که طرح این مسئله گزیر ناپذیر بوده، و جبر تاریخ یا این سازمانها را بسوی اندیشه ی راهنما خواهد کشید یا اینکه این سازمانها به بن-بست خواهند رسید. از نگاه ما، کمونیست های اصیل، تنهامتوانند دست-آورد های صدر گونزالو را به رسمیت بشناسند { دست-آورد هایی } که سنتزی از درس های انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی بوده، و آنرا در این شعار تلخیص نموده است: " جنگ خلق تا کمونیسیم!"

به این دلیل، ما از برای گفتمان باز، دموکراتیک در میان مارکسیست-لنینیست-مائونیست هایی استیم که خواهان پیشروی جنبش بین المللی کمونیستی اند.

ما از برای اتحاد ایم، ما نه از گفتمان باکی داریم، نیز نه از مبارزه مشترک در برابر ضد انقلاب، تسلیم طلبی و ایدئولوژی های رویونیستی از قبیل پراچندیسم و آوکیانیسم در هر اسیم.

رفقا! بیایید جرئت به خرج دهیم و متحد شویم. بیایید پلاتفرمی بین المللی بسازیم، و بدان وسیله روحیه وحدت طلبی خود را بنمایانیم، و قادر شویم که تجارب خویش را و دروس خویش را مرآوده کنیم، و به خلق های جهان نشان دهیم که علی الرغم انکشاف نامتوازن مان، علی الرغم اختلافات مان، ما بوسیله ستاره ی سرخی یگانه رهنمایی میشویم و به وظایف خویش، کاملا وقوف داریم.

سازمان کارگران افغانستان (مارکسیست-لنینیست-مائونیست، عمدتا مائونیست)

حزب کمونیست مارکسیست-لنینیست-مائونیست بنگلادیش

حزب کمونیست مارکسیست-لنینیست-مائونیست فرانسه

جنوری 2013